

هو الله

ای دختر ملکوت نامۀ شما رسید ولی از عدم فرصت مختصر مرقوم میگردد جسد انسانی همین قسم که در بدایت بتدریج بوجود آمده است همین طور باید بتدریج تحلیل گردد این مطابق نظم حقیقی و طبیعی و قانون الهی است اگر چنانچه بعد از مردن سوختن بهتر بود در اصل ایجاد نوعی انتظام می یافت که جسد بعد از فوت بخودی خود از فسور خود افروخته شعله زند و خاکستر گردد ولی نظم طبیعی که بتقدیر الهی تحقق یافته این است که باید بعد از فوت این جسد از حالی بحالی مختلف انتقال یابد تا بحسب روابطی که در عالم وجود است با کائنات سائر منتظماً اختلاط و امتزاج یابد و قطع مراتب نماید تحلیل کیمیای یابد و بعالم نبات انتقال کند گل و ریاحین شود و اشجار بهشت برین گردد نفعه مشکین یابد و لطافت رنگین جوید سوختن مانع از حصول این حالات بکمال سرعت است اجزاء چنان متلاشی گردد که تطوّر در این مراتب مختلّ شود

بقرین محترم نهایت محبت از قبل من ابلاغ دار او را روز بروز ترقیبات معنویّه جویم

اما محفلی که در آن مدینه تأسیس گردیده امیدم چنان است که آن انجمن روشن گردد و چون گلشن روایح طیبه منتشر نماید بمس ماری فن از قبل من تحیت محترمانه برسان فی الحقیقه این کنیز عزیز الهی بخدمت قیام دارد و مستحقّ الطاف الهی گشته باحبّای ساندیگو خواستم نامه بنگارم ولی از عدم فرصت بمناجاتی مختصر اکتفا نمودم

ای ربّ الجنود مدینه سن دیگو جسم بیجان بود حال نفعه از روح حیات بان سامان رسید نفوسی چند از قبور عالم طبیعت که ممات ابدی است مبعوث شدند و بنفثات روح القدس زنده گشتند و بعبودیت درگاه قیام نمودند ای خداوند مهربان این مرغان بی پر و بال را دو بال ملکوتی بخش و قوتی معنویّه عطا فرما تا در این فضای نامتناهی پرواز کنند و باوج ملکوت ابهی رسند ای پروردگار این نهالهای بی قوت را قوتی بخش تا هر یک درختی بارور در نهایت طراوت و لطافت جلوه نماید و بجنود معنوی نصرت و ظفر بخش تا سپاه جهل و ضلال را در هم شکنند و اعلام محبت و هدی را در بین خلق بلند کند و مانند نسیم بهاری اشجار وجود انسانی را طراوت و لطافت بخشند و بمثابه باران نیسانی چمن زار آن اقلیم را سبز و خرم کند تویی مقتدر و توانا و تویی بخشنده و مهربان و علیک البهّاء الأبھی

۲ جون ۱۹۲۰

حیفا

abdul Baha abbas